

کتاب‌ها و ترانه‌های مرتبط با سیره عملی حضرت زهرا(س) چه می‌گویند؟

درسوگ حضرت مهتاب



ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

پرنده حکمرانی در کشور ما دو بال دارد. یک بال ایرانیست و فرهنگ‌گذشتگان پیش از اسلام ما که در سنت دیرینه حکومت‌داری جای‌گیر شده است و دومی دین مبین اسلام و مذهب تشیع است که پاسداشت آن، ایران را از گزند حوادث دور می‌کند و امکان روپرو شدن با دشمنان ملت را بدون واهمه و ترس به امری عادی بدل می‌سازد. تسبیح ایرانی از زندگی و زیست انسان ایرانی در این دنیای مملو از خشونت و دهشت محافظت کرده و علاوه بر معنویت که از خود به دل دیگری راه می‌دهد، مسیر خوب زندگی کردن را هم در «این میهمان‌خانه هممان‌کش روزش تاریک» بدون پرداخت هیچ خرج به خصوصی برای بیرون‌ناید قدم، پیش‌رو و ایمان‌آورده‌اش هموار می‌کند. به عبارت دیگر، اسلام منبع خیر و برکت است و نه تنها دنیای ما را از گزند سیاهی و آلودگی‌ها در امان نگه می‌دارد، بلکه به دشمن این اختار را می‌دهد که نمی‌توان بی‌گدار به آب زد و به مقابله با کسانی پرداخت که در جنگ با دشمنان انسانیت و فرزندان دجال اهل احتیاط و سبک‌سنگین کردن نیستند و آبرویشان را هم در گرو پاسداری از حق و حقیقت قرار می‌دهند. اما سؤالی که در این میان ذهن‌نگارنده را به خود درگیر می‌کند آن است که چرا ما به عنوان شیعیان علی (ع) آنطور که شایسته مقام معصومان است تکلیف خود را در قبال خاندان پیامبر به‌جا نمی‌آوریم و فقط در مناسبت‌های دینی و مذهبی تقویم ظاهر خویش را به زیور لباس‌های تیره تغییر می‌دهیم. البته این قول را نمی‌توان به همه‌کس و همه چیز تعمیم داد و همه را با یک چوب زانده ولی باید گفت که ما تا پرداختن کامل تکالیف خود به معصومین و بدل شدن به ایرانیان راه طولانی‌ای در پیش داریم. اکنون که در ایام فاطمیه به‌سر می‌بریم با مرور اتفاقات تاریخی صدر اسلام می‌توانیم این سؤال را از نفس مان بپرسیم که برای زنده نگاه داشتن اسم

روشنفکر ارگانیک از فاطمه(س) می‌گوید

«آنتونیو گرامشی»، نظریه‌پرداز ایتالیایی و از بنیان‌گذاران حزب کمونیست ایتالیا، جریان روشنفکری را به دو طیف «سنتی» و «ارگانیک» تقسیم می‌کند و تعریفش از روشنفکر ارگانیک را اینطور شرح می‌دهد که او همیشه در صحنه حاضر است و سعی می‌کند ساختارهای اجتماعی را با فکر خود همراه کند. روشنفکر ارگانیک همواره در جذب روشنفکران سنتی در تلاش است و قصد دارد با تسخیر آن‌ها، فرایند فکر و اندیشه را از راه احداث مدرسه و توسعه آن کامل کند تا جامعه با رسیدن به خودآگاهی انتقادی راه برور رفت از شرایط سخت زندگی را به دست آورد و در قالب یک سازمان منسجم فکری به اندیشیدن انتقادی عادت کند تا با عبور از یک واقعیت سیاسی به واقعیتی دیگر انفعال را از خود وجودش برهاند و مردمش را هم از توده‌هایی بی‌شکل و بی‌فرم به سمت سوزهای آگاه و فعال که پیوسته خواهان پذیرفتن نقش‌های جدید اجتماعی‌اند سوق دهد. در اینجا وقت و مجال این نیست که به شکل مفصل در مورد اقسام گوناگون روشنفکر و صورت‌بندی گرامشی از این مفهوم بپردازیم ولی با ذکر همین خلاصه می‌توانیم این واقعیت را به صراحت بیان کنیم که دکتر «علی شریعتی» یک روشنفکر ارگانیک است که تأثیر زیادی از خود بر جامعه در حال تغییر ایران گذاشت و با سخنرانی‌های اثرگذار در حسینیه ارشاد وجه اجتماعی و سیاسی اسلام را برای مردم و جوانان به روشنی آشکار ساخت. کتاب «فاطمه فاطمه است» نیز در مورد حضرت زهرا(س) است که براساس متن پیاده شده سخنرانی‌های وی در حسینیه ارشاد در سال ۱۳۵۰ منتشر شد و به سرعت مورد توجه قرار گرفت. شریعتی در این اثر با اشاره



حضرت زهرا(س) حداقل در عرصه نمادین - و نه در واقعیت بیرونی - چه کرده‌ام؟ آثار نوشته شده در قالب کتاب و مقاله، تولید فیلم‌های سینمایی و تصنیف کردن قطعات موسیقی هر کدام از مواردی هستند که می‌توانند پیوسته یاد حضرت فاطمه زهرا را در دل‌ها زنده کنند و اگر از کیفیت مطلوبی برخوردار باشند خواهند توانست بر سبک زندگی مردم نیز اثر بگذرانند و در حکم یک مکمل معنوی آن‌ها را از بدل شدن به نمونه‌های دست‌چندم «آدم غربی» نجات دهند. اما این هدف مهم نه‌تنها هنوز نهادینه نشده بلکه در نقطه آغاز هم قرار ندارد و انسان ایرانی درگیر توهّمات خویش از بهشت غربی و فرهنگ آن به‌سر می‌برد، درحالی‌که چشمه جوشان زندگی در کنار دستش قرار دارد و وی با بی‌تفاوتی از کنار آن می‌گذرد و اگر هم به ارزش وجودی نام‌آئمه و در رأسش یعنی ذخت پیامبر آگاه شود توشه آخرتش را پُر نمی‌کند، چون هنوز زبان نرم و گبرای هنر توانایی بازنمایی و درک حقیقت زندگی معصومین را پیدا نکرده و عوام هم در این میان به دلیل عسر و حرجی که شرایط اقتصادی بی‌زندگی آن‌ها تحمیل کرده چاره‌ای جز سر نهادن به خواست و تمایل سرگرمی‌سازان غربی ندارند و در بیشتر موارد به حال خود رها می‌شوند. به بیان دیگر ما برای خوب زندگی کردن که وظیفه ذاتی هر یک از مسلمانان به حساب می‌آید- نیاز به راهنما و بلدراه‌هایی همچون ائمه داریم و برای آشنایی مقدماتی با آن‌ها و برای تبدیل شدن به یک مسلمان واقعی باید از تولیدات هنری و فرهنگی در زمینه شناخت هر چه بیشتر و بهتر خاندان عصمت و طهارت بهره ببریم اما این اتفاق با وجود نهادها و سازمان‌های ریز و درشت که جز مصرف کردن بودجه‌های گزاف دولتی ماموریت دیگری ندارند تاکنون محقق نشده و جز در موارد اندک و انگشت‌شمار که نتیجه وجود نفوس پایدار، منسجم و خودسامان بوده نتیجه روشنی در پی نداشته است. در این گزارش به بهانه شهادت حضرت زهرا(س) به سراغ دنیای کتاب و موسیقی می‌رویم و آثار مرتبط با سیره عملی برترین زن تاریخ جهان را مرور می‌کنیم.

خلق حضرت زهرا(س) پیش از خلقت آسمان و زمین

ایشان در دوران صدر اسلام و بیان ویژگی‌های شخصیتی فرزند پیامبر کار ممتنع و نشدنی‌ای در نظر جلوه نمی‌کند که کسی از پس انجام آن بر نیاید. کتاب «مقام عرشی حضرت زهرا سلام‌الله علیها» نوشته محمد شجاعی اثری معرفتی است که به معرفی جایگاه معنوی دختر بزرگوار پیامبر می‌پردازد و این شخصیت برجسته تاریخ اسلام و شیعه را به عنوان الگوی انسان کامل در نظام هستی، چنانچه در مقدمه ذکر آن رفت معرفی می‌کند. به‌گونه‌ای که هم فضائل و مقامات حضرت زهرا را مورد بازخوانی و قرانت دوباره قرار می‌دهد و هم به جایگاه ایشان در هدایت معنوی و ارتباط با حضرت مهدی عجل‌الله فرجه‌الشریف می‌پردازد.

استاد محمد شجاعی با وام گرفتن از آیات و زیارت‌نامه‌های معتبر حضرت فاطمه زهرا را به عنوان نمونه‌ای خاص از کمال انسانی معرفی و توصیف می‌کند و مقام عرشی این حضرت را برای خوانندگانش آشکار می‌سازد.

در احادیث داریم «نور فاطمه پیش از خلقت آسمان و زمین بوده است و عالم فرشته‌ها پس از این مرحله خلق شده است.» حضرت فاطمه مقام ولایی در میان معصومان دارد و اگرچه پیامبر نبود ولی فرشتگان همچون مریم، دختر عمران بر او نازل می‌شدند و با او به‌گفت‌وگو می‌پرداختند. البته این مسئله شاید برای عقل خودبنیاد بشر امروزی چندان آشکار نباشد ولی از دید کسانی که سطح اندیشه و فکر را به امور روزانه و تجربی تقلیل نمی‌دهند و اعتبار و ارزش هر امری را در پیوند با ذات مقدس پروردگار و حقیقت آن می‌سنجند از درجه اعتبار غیرقابل‌ذکری برخوردار است. به طوری که هر مسئله‌ای را با مبدأ قرار دادن امور قدسی بررسی کرده و از این مسیر به موارد قابل‌درک‌تر در حد عقل مدرن انسان امروزی هم می‌رسند. برای مثال شاید «محدثه» بودن زهرا(س) برای کسانی که مناقب آن حضرت را به میانجی مطالعه و بهره‌مندی از شیوه زیست اسلامی درک نکرده‌اند کار سختی به نظر برسد، ولی مطالعه حضور اجتماعی

یا فاطمه بنت نبی

کرد و هم ارزش ادبی شعرترانه آن به‌گونه‌ای بود که باعث شد راحت در میان شنندگان پذیرفته شود و به حیاتش در تمام این سال‌ها ادامه دهد. اُرتور ترانه یا فاطمه بنت نبی، به سیاق قطعات موسیقی پاپ در دهه‌های قبل طولانی است و تنظیم‌کننده با آرایش بی‌نظیر سازها ذهن مخاطبش را برای شنیدن اثری فاخر آماده می‌کند. به عبارت دیگر ارتباط بی‌نظیر ملودی و ترانه در این اثر از همان آغاز با قدرت شروع می‌شود و در تمام مدت نزدیک به هفت دقیقه قطعه از تب و تاب نمی‌افتد که این در نوع خود شگفت‌انگیز است، به طوری که شنونده در موارد مشابه از گوش سپردن به تکرار ورس‌ها و کورس ترانه خسته می‌شود و در نهایت بند تعلقش به کلیت قطعه موردنظر را از دست می‌دهد ولی کاری که ناصر عبداللهی در این تِرک انجام داده مانع از اتفاقاتی از این دست می‌شود. عبداللهی در ساختن قطعه‌ای در باب حضرت فاطمه سلام‌الله علیها تنها نیست و دیگرانی همچون علیرضا عصار، حامد زمانی، حمید غلامعلی، چنگیز حبیبیان و حتی شادهمر عقلی هم در فرایند خلق آثاری از این دست هم نائل آمده‌اند، ولی هیچ‌یک به اندازه ناصر عبداللهی در کارشان موفق نبودند و اثری بدون تاریخ انقضا در مدح حضرت زهرا(س) نداشته‌اند.

موسیقی پاپ ایران در سال‌های اخیر را ملاک قضاوت قرار ندهید. این موسیقی (اگر بتوان این نام را در حال حاضر بر آن نهاد) پیش‌تر پاسخ‌درخوری به نیازهای مخاطبان خود می‌داد و آیکان‌ها و شمایل‌های آن نسبت به اجتماع و همچنین اتفاقات پیرامون آن بی‌تفاوت نبودند. در همین راستا خوانندگانی نظیر ناصر عبداللهی پیدا می‌شدند که علاوه بر بیان عشق زمینی به معشوق و همین‌طور روایت درد انسان در جوامع مدرن، آن هم در قالب ملودی و شعر ترانه وارد ساحت قدسی هم می‌شدند و شانس خویش را برای ساخت ترانه‌های مذهبی و بیان مظلومیت جانگناه ائمه و معصومان امتحان می‌کردند که در بعضی از اوقات هم حداقل در بیان مدح و ستایش از پس کار به خوبی برآمدند. ترانه «یا فاطمه بنت نبی» ساخته مشترک شادروان ناصر عبداللهی (در مقام آهنگ‌ساز و خواننده اثر) و علی معلم دامغانی (به عنوان ترانه‌سرا) مهم‌ترین اثر موسیقایی در مدح حضرت فاطمه است و در میان انگشت‌شمار آثاری که در مورد این حضرت، خواننده و یا تصنیف‌شده از جایگاه ویژه و تاریخی‌ای برخوردار است، چون هم به دلیل استفاده از مؤلفه‌های سبکی ژانر پاپ و در ادامه محبوبیت صدا، شخصیت و مسیماي ناصر عبداللهی در بین مخاطبان هدف جای خوبی از بازار هدف را از آن خود

به شخصیت والای حضرت زهرا مخاطبان و خوانندگان خود را از میان زنانی که در پی جواب به پرسش‌هایی اساسی بودند برگزید و به آن‌ها الگوی تام و تمامی از زن واقعی را شناساند. شریعتی در کتابش بیان کرامات و تعظیم و تقدیر از این حضرت را بدون ارائه دلایل تاریخی کاری از روی احساسات دانست و این اتفاق را ناشی از نشناختن اساسی دین قلمداد کرد و گفت که این آثار به ما نشان می‌دهند نویسندگانشان آنگونه که باید فاطمه(س) و مقام والای وی را به مردم معرفی نکرده‌اند. او با استفاده از فهم دقیق تاریخی نکاتی را هم در مورد نظام قبیله‌ای عرب و جایگاه تعریف‌نشده زن در آن دوران بازگو کرد تا بدین واسطه خواننده‌اش را با انقلابی که پیامبر اسلام در پرتو دین خدا میان روابط خانوادگی و فهم زن به‌عنوان موجودی هم‌سنگ با مرد ایجاد کرد، آشنا کند. شریعتی در جایی از کتابش برای مشخص کردن نقش محوری و تعیین‌کننده فاطمه(س) در میان خاندان نبوت و تمایزش با دیگر معصومان می‌نویسد: «خواستم بگویم که فاطمه، دختر محمد(س) است. دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه همسر علی (ع) است. دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه مادر حسین است. دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه مادر زینب است، باز دیدم که فاطمه نیست. نه! اینها همه هست و این همه فاطمه نیست، فاطمه، فاطمه است.»

کتاب فاطمه فاطمه است در ادامه به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی و... ترجمه شد و هم به‌صورت مستقل و هم در قالب کتاب «زن» در کنار دیگر آثار این نویسنده و سنخوَر قهار انتشار یافت.



چارسو

نتوانستم از داستان هری پاتر بگذرم

آلفونسو کوارون، فیلمساز ۶۳ ساله مکزیکی است که بابت فیلم‌های «جاذبه» و «روما» پرنده جایزه اسکار شد. او همچنین سوئین قسمت از سری فیلم‌های «هری پاتر» تحت عنوان «هری پاتر و زندانی آزکابان» را کارگردانی کرده است. این فیلم از نظر طرفداران پر و پاقرص هری پاتر بهترین قسمت آن به حساب می‌آید که کوارون موفق شده است امضای شخصی خود را بر آن بزند. این کارگردان درباره حواشی ساخت این فیلم به نکات جالبی اشاره می‌کند که از این قرار است: «من ساخت این فیلم را پذیرفتم تا بتوانم قبض‌هایم را پرداخت کنم! درواقع فرزندان انسان» رانوشته بودم که هیچ‌کس نمی‌خواست آن را بسازد. بیکار بودم و قرار بود بچه دار شوم. همان موقع هری پاتر به من پیشنهاد شد و من نمی‌خواستم آن را انجام دهم، زیرا چیزی درباره هری پاتر نمی‌دانستم.» او با اشاره به اینکه تا قبل از فیلمبرداری این فیلم هیچ کتابی از هری پاتر نخوانده بوده گفت: «وقتی قرار شد فیلم را بسازم شروع به خواندن کتاب‌ها کردم و دیدم که یک حس خوب در کتاب‌ها وجود دارد که نباید آن را از دست بدهم.» به همین ترتیب کوارون دنباله این حس خوب را گرفت و به گفته خودش بهترین تجربه فیلمسازی‌اش را رقم زد. البته آلفونسو کوارون در زندگی حرفه‌ای خود همیشه تن به ما‌جرایی ن داده است؛ چراکه او سال‌ها پیش پیشنهاد ساخت یک فیلم از «جیمز باند» را به دلیل اینکه با انجام آن مشکل داشت رد کرده بود.

زنگ میراث فرهنگی در مدارس به صدا درمی‌آید

گویا قرار است کلاس‌های درس زنگ‌بویی جدیدی بگیرند و بخشی از روح تاریخ پر فراز و نشیب و غنی کشورمان در آنها دیده شود. در این رابطه، علی‌داری، معاون میراث فرهنگی، اعلام کرده: «باتفاق انجام شده بین وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و وزارت آموزش و پرورش، زنگ میراث فرهنگی در تمام مدارس کشور نواخته می‌شود. دانش‌آموزان فرصت خواهند داشت تا با بازدید از موزه‌ها و بناهای تاریخی، با میراث کشورمان آشنا شوند. این اقدام در راستای پیشبرد اهداف موزه‌داری نوین از جمله میراث دیجیتال و روایتگری تصویری کمک بسیاری خواهد کرد.» بدون شک چنین اقدامی نیازمند بسترسازی‌هایی است. در این باره، معاون میراث فرهنگی افزود: «موزه‌ها باید نیروهای خود را در امر آموزش میراث فرهنگی با ادبیاتی متناسب با کودکان و نوجوانان آماده کنند و از ظرفیت نیروهای انسانی مدارس برای برگزاری کارگاه‌های آموزشی تدریس میراث فرهنگی استفاده شود.» این طرح نوآورانه نه‌تنها دانش‌آموزان را با تاریخ کشورمان آشنا می‌کند، بلکه به رشد فرهنگی و اجتماعی آنها نیز کمک خواهد کرد. پیش از این، به مناسبت هفته گردشگری در مهرماه، در برخی مدارس استان‌های کشور زنگ گردشگری نواخته شد. این اقدام به منظور شناساندن ظرفیت‌های گردشگری و تاریخی به نسل جوان بود تا آنها ضمن آشنایی با هویت و تاریخ خود، برای نگهداری از این جاذبه‌ها نیز ترغیب شوند.

